

۱۳۸۴، با دهها تلفات و صدها زخمی، سرآغاز موج جدیدی از ناآرامیهای تجزیه طلبانه ناراضیان مورد تبعیض مذهبی قرار گرفته در جنوب کشور بود. حمله افراد مسلح به اتوبوس کارکنان پتروشیمی ماهشهر، همانند روشی بود که بیشتر در مبارزه میان فلسطین و اسرائیل دیده شده بود.

موج خشونت در استان سیستان و بلوچستان، مانند جنایت خونبار حمله به اتوبوس غیرنظامیان در جاده زاهدان - زابل در ۱۳۸۴، که در آن ۲۲ نفر کشته شدند، حمله افراد مسلح به چهار خودرو و کشتن ۱۱ نفر در جاده کرمان - بم در سال ۱۳۸۵، حملات متعدد به خودروهای شخصی و غیرنظامی، انفجار چند بمب در شهر زاهدان، حمله خونین به اتوبوس بسیجیان در بهمین ۸۵، همگی نشان از این دارند که سیاست حذفی و مقابله به مثل خشونت بار فقط کشور را به ورطه سقوط در یک انفجار اجتماعی میکشاند.

آغاز سال ۸۷، نشان میدهد که سالی بسیار خونبارتر و درگیریهای مسلحانه بسیار بیشتر و پرتلفات تر خواهد بود. نهم فروردین ۸۷، به اتوبوس دانش آموزان حمله شد، و هنوز دوازدهم فروردین تمام نشده با فاجعه حسینییه شیراز روبرو شده ایم.

حکومت میتواند هر کس و هر گروه را که میخواهد متهم کند، متهمان را بگیرد، دست و پایشان را ببرد یا اعدام کند، ولی این اعمال تلافی جویانه نه تنها مسئله را حل نمیکند، بلکه دامنه خشم و نفرت و حس انتقام جویی را هم افزایش میدهد. اگر این حملات تروریستی که مسبب اصلی آن بی شک انحصار گرایی فرقه ای و تند خونی حکومت جمهوری اسلامی است، به سراسر کشور سرایت کند و دامنه آنها گسترده تر شود، این آقایان که میخواهند مدیریت جهان را عوض کنند، چگونه خواهند توانست کشور را اداره کنند؟

شکایت

در ستون علمی خبرهای روزنامه ای آمده بود که دانشمندان اخیرا کشف کرده اند: ((پرندهگان ساکن شهرهای بزرگ در مقایسه با چهل، پنجاه سال گذشته، با لحن غمناکتری میخوانند و برای جلب جفت یا همجنسان خود نیز خشن تر فریاد میکشند.....))

- در دنباله خبر مردم نکته سنج نیز اضافه میکنند علت این امر عبارت از اینست که مخلوقات خداوندی، از جنایتهای بشر طماع جنگ افروز، از تبدیل گشتن باغها و جنگلهای فرحبخش به آهن و سیمان، آلودگی نفس گیر و مرگ آفرین هوا، استفاده از غذاهای مانده و مسموم، آشیان پاشیدگی و بی خانمانی و بدرگاه خالق هستی شکایت میبرند و از سنگینی گوشه‌های مسئولان در اثر آلودگیهای صوتی در شهرهای بزرگ نظیر تهران، ناله های جانسوز بلند سر میدهند و دریغی که از درد آشنای مسئولی پاسخ و وعده ای دریافت نمیکند.....

انتصابات مجلس به پایان رسید.....

بار دیگر افرادی برای حضور در مجلس با نظارت دقیق استصوابی وزارت کشور و شورای نگهبان منصوب شدند و در سناریویی از پیش نوشته شده آوردن عده ای از مردم به پای صندوقهای اخذ رای به انجام رسید. جناحهای حاکمیت اصولگرایان و اصلاح طلبان بسیار تلاش کردند که تعداد آراء بهر نحو بیشتر باشد. بارها مردم شنیدند که رای دادن مهم است چون به نظام مشروعیت میبخشد. دستگاههای تبلیغاتی چندین کانال تلویزیونی روزنامه های در کنترل دولت (همه روزنامه هائی که مجاز به انتشار هستند) در روز اخذ رای مژده از حضور اکثریت بزرگی از ملت ایران در کنار صندوقهای رای دادند و عکاسان و فیلمبرداران و خبرنگاران چه زحمتها که نکشیدند تا آن روز را روزی باشکوه نشان دهند. ولی مردم نه در رای دادن انگیزه ای داشتند و نه انتظاری برای اعلام نتایجی که از مدتها قبل قابل پیش بینی بود. انتخاب روز بیست و چهارم اسفند و روزهای بعد که مردم سرگرم مقدمات نوروز بودند و تعطیل بیش از دو هفته روزنامه ها هم موجب شد موضوع انتخابات در محیطی سرد بسرعت تازگی خبری خود را هم از دست بدهد و بی اعتنائی فزونتتر مردم را برانگیزد. در اینجا مقصود تفسیر و یا تحلیل این سناریوی موسوم به انتخابات نیست بلکه فقط توجه شما را به چند نمونه از آمار انتخابات در تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر جلب میکنیم.

آمار شرکت کنندگان در مرکز سیاسی کشور ایران نشان دهنده انتخابات سراسر کشور است.

آمار رسمی واجدین شرکت در انتخابات تهران، ری، شمیران و اسلامشهر از سوی وزارت کشور ۶۰۰۰۰۰۰ نفر اعلام گردید. ستاد انتخابات وزارت کشور میزان آراء ریخته شده به صندوقها را ۱۹۰۹۰۵۶۲ رای اعلام کردند که تعدادی باطل بود و آراء محاسبه شده ۹۴۱۰۹۴۰ رای بوده است (این تعداد رای مورد اعتراض اصلاح طلبان قرار گرفت و گفتند مدارکی دارند که عده زیادی را با اتوبوسها از محلی به محل دیگر برده و چندین بار رای داده اند - الله و اعلم). با محاسبه ای ساده تعداد افرادی که در تهران به پای صندوقهای اخذ رای رفته اند ۲۶٪ کل واجدین شرکت در انتخابات تهران و ری و غیره بوده است. در آمار وزارت کشور تعداد جوانان ۱۸ تا ۲۰ ساله شرکت کننده در انتخابات تهران را ۱۸٪ جوانان تهران اعلام نموده اند. آیا به قدرت نشستگان تصویری دیگر داشتند؟ آیا اعداد و ارقام اعلام شده بیانگر مشروعیت است؟